

آمایش سرزمین؛ برقرار کننده عدالت اجتماعی اسلامی در جهت تحکیم انسجام اسلامی

محمد سریرافراز و فاطمه فهیمی فر*

چکیده

همواره یکی از دغدغه‌های اصلی کشورهای اسلامی رسیدن به حد مطلوبی از توسعه یافتگی می‌باشد. مطالعه برخی کشورهای جهان سوم که در این مسیر موفق تر عمل نموده‌اند، گویای این مطلب است که توسعه ملی و رشد اقتصادی هنگامی میسر است که مردم آن کشور با اتحاد و یکپارچگی گام به سوی تعالی بردارند. همه ما به مانند اجزای یک سیستم هستیم و تنها زمانی این سیستم قادر به تحرک و پویایی است که همه با هم به شکل مطلوب در جایگاه مخصوص به خود قرار بگیریم، و منابع نیز متناسب با موقعیت افراد و مناطق، با کمک علم جغرافیای کاربردی توزیع شود و از هر جزء مجموعه کارایی خاص حاصل شود. تمام این موارد تنها به کمک ابزاری به نام «آمایش سرزمین» صورت می‌گیرد. آمایش سرزمین نوعی برنامه‌ریزی است که به سرزمین به عنوان رکن اساسی و تعیین کننده در تأمین اهداف توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی توجه می‌کند. می‌توان گفت برنامه‌ریزی مبتنی بر آمایش سرزمینی می‌تواند اصل عدالت را که یکی از فرامین مهم اسلام است محقق نماید. از این رو با توجه به مطالب بیان شده در این مقاله، این نوع برنامه‌ریزی اگر در دیدی کلان مورد استفاده تمام کشورهای اسلامی قرار گیرد با توجه به نتایج حاصل از آن می‌توان به انسجام اسلامی دست یافت.

کلیدواژه‌ها: آمایش سرزمین، انسجام اسلامی، عدالت اجتماعی اسلامی.

* دانشجویان کارشناسی ارشد رشته برنامه‌ریزی سیستم‌های اقتصادی، عضو باشگاه پژوهشگران جوان.

مقدمه:

غایت اصلی تمام برنامه‌ریزی‌ها رسیدن به توسعه پایدار، تعادل منطقه‌ای، توزیع مناسب فعالیت‌ها و استفاده حداکثر از فعالیت‌های محیطی در فرایند توسعه مناطق می‌باشد.

چهار سطح برنامه‌ریزی را می‌توان از هم تفکیک نمود:

۱- خرد؛ ۲- کلان؛ ۳- توسعه؛ ۴- آمایش. آمایش راهنمای تدوین سایر سطوح برنامه‌ریزی است. پیامد فضایی آمایش متفاوت از پیامد فضایی سایر سطوح برنامه‌ریزی است. در واقع، پیامد فضایی آمایش تعامل بین انسان و فعالیت‌های انسان در فضا و چیدمان منطقی از استقرار جمعیت و فعالیت در پهنه سرزمین می‌باشد و نقش آن در سایر برنامه‌ریزی‌ها به صورتی است که تمام برنامه‌های توسعه اجتماعی و اقتصادی در سطوح مختلف جغرافیایی متأثر از آن می‌باشد. هدف نهایی برنامه‌ریزی توسعه فضایی و آمایش سرزمین، «برنامه‌ریزی توسعه اجتماعی» است و در مقایسه با سایر سطوح برنامه (خرد، کلان، توسعه‌ای) دارای هدفی جامع‌تر و راهبردی‌تر است.

اهداف اصلی آمایش سرزمین، ارائه مسیرهای منطقی در بهره‌گیری از منابع طبیعی و انسانی، جلوگیری از اتلاف منابع طبیعی، ممانعت از به‌کارگیری غیر علمی این منابع، استفاده مناسب از منابع محیطی و توسعه مطلوب انسانی است، به گونه‌ای که بررسی جمعیتی، طبیعی، حمل و نقل، مکان‌یابی صنایع، خدمات‌رسانی روستاها، بررسی شکل‌پراکنندگی پدیده‌های طبیعی و انسانی و علت‌های آن، چگونگی توزیع امکانات در تصمیم‌گیری‌ها و آینده‌نگری، بیشترین نقش را در برنامه‌ریزی اقتصادی کشور ایفا می‌نماید.

بنابراین، این نوع برنامه‌ریزی می‌تواند زمینه‌ساز اجرایی کردن آموزه‌های اسلامی بر پایه عدالت اجتماعی گردیده و وحدت ملی را در پی داشته باشد و با توجه به تمسک هر یک از کشورهای اسلامی به حبل‌الله، به انسجام اسلامی بینجامد.

اتحاد ملی؛ پیش‌زمینه انسجام اسلامی

با توجه به اهمیت برقراری عدالت اجتماعی در دین مبین اسلام و با نگرش و تأمل در حکومت اسلامی ناب در صدر اسلام و نیز اجرایی شدن حکومت عادلانه - هر چند کوتاه - حضرت علی (ع) می‌توان گفت: یکی از اصولی‌ترین آموزه‌های اسلام ناب محمدی، برقراری عدالت اجتماعی در میان

تمام افراد یک جامعه می‌باشد و با اجرایی شدن آن، زمینه برقراری اتحاد ملی و انسجام اسلامی در یک جامعه اسلامی ایجاد می‌گردد.

بنا به نظر مرحوم علامه جعفری وحدت به سه دسته تقسیم می‌شود: وحدت مطلق، وحدت مصلحتی عارضی و وحدت معقول، و وحدت معقول بهترین و اجرایی‌ترین نوع برقراری وحدت در میان جوامع مسلمانان است و آن را این‌گونه تعریف می‌نماید: «قرار دادن متن کلی دین اسلام برای اعتقاد همه جوامع مسلمان و بر کنار کردن عقاید شخصی نظری و فرهنگ محلی و خصوصیات آرا و نظریات مربوط به هر یک از اجزای متن کلی دین که مربوط به تعقل و اجتهاد گروهی یا شخصی است.»

بنابراین، به نظر نگارندگان این مقاله، برقراری عدالت اجتماعی با تمسک به برنامه‌ریزی اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی بر پایه برنامه‌ریزی آمایش سرزمینی می‌تواند زمینه ساز ایجاد اتحاد ملی در کشورهای اسلامی گردد.

انسجام اسلامی از منظر آمایش سرزمین

در یک جامعه ممکن است اتحاد ملی به واسطه جغرافیا، زبان، تاریخ، آینده مشترک و... ایجاد گردد، اما همه اینها منجر به انسجام نمی‌گردد، زیرا انسجام به مفهوم هم‌دلی و هم‌رنگی در اهداف، ارزش‌ها و نگرش‌ها و به عبارتی دیگر، سازگار نمودن اهداف و عقاید می‌باشد، و هدف نهایی آن، یک‌پارچه نمودن جوامع با اهداف مشترک است.

در بررسی‌های صورت گرفته درباره موضوع انسجام می‌توان آن را از نظر تحلیلی به سه سطح تقسیم نمود:

۱. سطح خرد، که به بررسی پیرامون افراد و شهروندان می‌پردازد؛
 ۲. سطح میانی، که به بررسی در سطح خانواده، گروه و خرده فرهنگ‌ها می‌پردازد؛
 ۳. سطح عالی، که به بررسی در ساختارها و نهادها می‌پردازد.
- با توجه به مطالب بیان شده، برنامه‌ریزی مبتنی بر آمایش سرزمین سه سطح بالا را مورد توجه قرار می‌دهد.

از بعد بین‌المللی، کشورهایی که دارای روابط منسجمی هستند بهتر می‌توانند به اهداف مشترک خود دست یابند. در بحث انسجام، مهم‌ترین عامل، حفظ و نگهداری آن می‌باشد که با توجه به آیات

قرآنی مبنی بر این که عوامل انسجام در بین مسلمانان از منظر فاعلی همانا خداوند، و از منظر مادی، عقاید مشترک و بینش توحیدی، و از دید صوری، همکاری در نیکی‌ها و تقوا و برقراری عدالت می‌باشد، می‌توان با تمسک به کلمه توحید و توحید کلمه، با توجه به آموزه‌های قرآنی، در حفاظت از اتحاد و انسجام اسلامی کوشید.

از این رو می‌توان گفت با ایجاد وحدت معقول، بنا به گفته علامه جعفری و هم‌چنین تاسی به آیات قرآن و ملاحظه جامعه اسلامی پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و امام علی علیه السلام، کشورهای اسلامی باید در طراحی برنامه‌ریزی‌های اقتصادی و اجتماعی خود برقراری عدالت اجتماعی را سرلوحه خود قرار دهند که این مهم بدون بررسی‌های فضایی که همانا برنامه‌ریزی مبتنی بر آمایش سرزمین می‌باشد، میسر نمی‌گردد.

اصول برنامه‌ریزی

اصول جدید برنامه‌ریزی بر چهار اصل زیر استوار است:

- ۱- ویژگی فضایی، که نیازمندی‌ها و ویژگی‌های مکان‌ها در آن مد نظر قرار می‌گیرد؛
 - ۲- ویژگی‌های پایداری، که در آن بحث پایداری در مقیاس کوتاه مدت، میان مدت و دراز مدت مورد توجه قرار می‌گیرد؛
 - ۳- ویژگی یک‌پارچگی، که لزوم هماهنگی اهداف و اقدامات را مورد توجه قرار می‌دهد.
 - ۴- ویژگی جامعیت، که لزوم توجه به تمام بخش‌ها در یک نگرش سیستمی و جامع را بیان می‌کند.
- در این چارچوب، بعد فضا دارای اهمیت فراوان است و اصول برنامه‌ریزی فضایی در برگرفته اصول پایداری، یک‌پارچگی و جامعیت است. در این میان، رسالت برنامه آمایش سرزمین، رسیدن به عدالت اجتماعی از طریق دسترسی عادلانه و توزیع فضایی دستاوردهای توسعه، کارایی ناشی از برقراری و تقویت پیوندها و ایجاد یک‌پارچگی فضایی، تعادل اکولوژیکی و ارتقای کیفیت زندگی و حفظ و اعتلای هویت منطقه‌ای است.

آمایش سرزمین

آمایش سرزمین را مدیریت فضا می‌نامند؛ مدیریتی که تلاش می‌کند در سطوح مختلف بین منافع و عملکرد فردی و اجتماعی، نوعی تعادل و هماهنگی ایجاد کند و هم‌چنین می‌کوشد تا تضاد بین

منافع افراد جامعه را با منافع عمومی جامعه از بین برده، آن را در جهت منافع عمومی جامعه اسلامی هدایت کند. به لحاظ مفهومی آمایش سرزمین ایجاد کننده تعادل بین سه عنصر انسان، فضا و فعالیت تعریف شده است که تلفیقی از سه عنصر علم اقتصاد، جغرافیا و جامعه شناسی می‌باشد؛ در نتیجه، بایستی نقش یک نظام بین رشته‌ای را بازی نماید و با تکیه بر نگرش سیستمی و با در نظر گرفتن مؤلفه‌های تأثیرگذار بر فرایند آمایش، در حل بخشی از مشکلات جامعه بشری گام بردارد. از جمله مؤلفه‌های تأثیرگذار بر فرایند آمایش سرزمین، صفات فرهنگی و اقتصادی جامعه، فضای روی زمین، هوا، موجودات زنده، توان اکولوژیکی منطقه (آب و زمین) و رابطه انسان و محیط می‌باشد. (مؤمنی، ۱۳۸۲، ص ۲۸-۲۲).

آمایش سرزمین ابزاری مبتنی بر اکوسیستم است که می‌تواند محیط، جامعه و اقتصاد را طوری هدایت کند که پایداری منابع به هر طریق ممکن تضمین گردد، و با این توان‌مندی، قصد دارد معیارهای محیطی، اجتماعی و اقتصادی را با هم درآمیزد و به این ترتیب از میزان تقابل آنها بکاهد، اهداف کاربری‌ها را برآورده سازد، نارسایی‌ها و کمبودها را رفع و اولویت‌ها را در سطوح محلی، ملی و جهانی تعیین کند.

در بحث آمایش سرزمین، ویژگی‌ها و قابلیت‌های یک منطقه از چند بعد قابل بررسی است:

(۱) توان اکولوژیکی محدوده مورد مطالعه: از نظر محیطی محدوده فوق دارای چه توان‌مندی ویژه‌ای است که در برنامه‌ریزی‌های افق می‌توان با تکیه بر آن، توسعه کشور را تسریع بخشید.

(۲) موقعیت جغرافیایی محدوده مورد مطالعه: یک منطقه از نظر جغرافیایی چه مزیتی دارد و چگونه می‌توان از آن بهترین استفاده را برد.

(۳) قابلیت‌های اقتصادی و اجتماعی: چه نوع فعالیت‌هایی در کدام مکان‌ها دارای قابلیت توسعه و استقرار می‌باشد. (زالی، ۱۳۸۵، ص ۳۰).

آمایش سرزمین به معنای تنظیم رابطه انسان و فعالیت‌های انسان در فضا، رویکردی کل نگر، جامع نگر و بلند مدت در برنامه‌ریزی محسوب می‌شود؛ بنابراین، آمایش سرزمین وظیفه تنظیم و هماهنگ سازی راهبردها و جهت گیری‌های کلی بخش‌ها و مناطق کشور را به عهده داشته و تدوین سیاست‌اجرایی و برنامه‌های عملیاتی توسعه بر مبنای این راهبردها به عهده بخش‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی است. (مختاری، ۱۳۸۵، ص ۱۰۵).

به عبارتی، در نگاه آمایش مهندسی، ترتیبات بهره‌وری بهینه از ظرفیت‌های اجتماعی و طبیعی مد نظر می‌باشد.

شیوه‌های متفاوتی در جهان به منظور آمایش سرزمین وجود دارد، از جمله: تحلیل سیستم‌های دینامیکی (Dynamic system analysis)، تحلیل اثرگذاری (Impact analysis)، تحلیل عملیات (Scenario analysis)، تحلیل سیستم اطلاعات جغرافیایی (Geographic information system analysis) و تحلیل ارزیابی چند معیاری (Multi-criteria evaluation analysis). با توجه به این که نقشه‌ها ابزار کار آمایشگر محسوب می‌گردد، روش تحلیل سیستم اطلاعات جغرافیایی به دلیل کارایی آن در ایجاد بانک‌های اطلاعاتی، در ایران مورد توجه محققین و برنامه‌ریزان قرار گرفته است. (رحیمی، ۱۳۸۴، ص ۲۶). هم‌چنین، سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS) افزون بر این‌که ابزاری برای برنامه‌ریزی می‌باشد، می‌تواند نیاز انواع دیگر برنامه‌ریزی‌های را نیز برطرف نماید. (نظری، ۱۳۷۸، ص ۷).

اهداف کلی آمایش سرزمین

هدف آمایش سرزمین ایجاد زمینه به منظور استفاده بهینه، محسوس، عملی، سالم و مؤثر از هر بخش از زمین است، و به طور جامع می‌توان موارد زیر را به عنوان اهداف کلی آن بیان نمود:

۱. گسترش، تناسب‌سازی و تجهیز فضاهای زیست و فعالیت با توجه به جمعیت رو به رشد کشور، با اهتمام به استعدادها و محدودیت‌های سرزمینی؛
۲. متعادل‌سازی فضاهای زیست و فعالیت، به طوری که از تمرکز زدایی در منطقه‌ای از کشور جلوگیری شده و به کاهش اختلاف بین درجه توسعه یافتگی مناطق مختلف کشور بینجامد؛
۳. برقراری ارتباط بین مراکز زیست و فعالیت در کشور، به صورتی که این مراکز به طور هماهنگ با هم عمل نموده و موجبات حداکثر بهره‌وری بهینه از قابلیت‌های سرزمینی را فراهم نمایند؛
۴. حفاظت از محیط زیست و منابع طبیعی به منظور بهره‌برداری بهینه از منابع در طول زمان به گونه‌ای که اگر منبع مورد نظر پایان پذیر باشد، حداکثر منافع اجتماعی تأمین گردد و اگر منبع مورد

نظر پایان‌ناپذیر باشد حد برداشت مجاز رعایت گردد، تا توازن طبیعی در بهره برداری از این منابع به وجود آید. (ضوابط ملی آمایش سرزمین).

با توجه به موارد بالا می‌توان مطابق ماده ۱ ضوابط ملی آمایش سرزمین، به طور کلی گفت: آمایش سرزمین به دنبال تحقق موارد زیر است: وحدت و یک‌پارچگی سرزمین؛ گسترش عدالت اجتماعی و تعادل‌های منطقه‌ای؛ تقویت توسعه متوازن اجتماعی و اقتصادی مناطق؛ افزایش کیفیت زندگی؛ حفاظت محیط زیست، و کاربری هدف‌مند فضایی.

اهداف اصلی برنامه‌ریزی‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و اسلامی:

۱- رشد اقتصادی؛

۲- استقلال اقتصادی؛

۳- عدالت اجتماعی اسلامی.

با توجه به موضوع مورد بحث، در این قسمت به بررسی عدالت اجتماعی اسلامی می‌پردازیم. عدالت اجتماعی اسلامی، به معنای برخورداری عادلانه افراد از مواهب، امکانات، فرصت‌ها و دست‌آوردهای اجتماعی است، به طوری که علاوه بر تأمین سطح قابل قبول رفاه برای افراد جامعه، هر کس با توجه به استعداد و مشارکت خود سهم مناسب در تولید و کسب درآمد بیابد.

می‌توان گفت توسعه اقتصادی به مثابه ابزاری است که به ایجاد «عدالت اجتماعی اسلامی» می‌انجامد و این دو باعث هم‌افزایی یک‌دیگر می‌گردند.

عدالت اجتماعی اسلامی؛ پل ارتباطی آمایش سرزمین و انسجام اسلامی

همان‌طور که بیان شد، برقراری عدالت اجتماعی اسلامی به عنوان یکی از دستاوردهای آمایش سرزمین مطرح می‌شود. مرحوم علامه طباطبایی معنای اصلی عدالت را اقامه مساوات میان امور می‌داند. آمارتیا سن معتقد است عدالت را در قابلیت باید دنبال کرد؛ یعنی اگر کاری کنیم که مردم قابلیت‌های خود را بروز دهند، به عدالت نزدیک شده‌ایم.

در بیانی ساده‌تر می‌توان عدالت را چنین تعریف کرد:

«بهره‌مندی تمامی افراد جامعه از فرصت‌های یکسان برای برخورداری از منابع».

عدالت اجتماعی اسلامی همواره به عنوان یکی از شاخص‌های توسعه یافتگی مطرح بوده و کشورهای جهان، به خصوص کشورهای در حال توسعه همواره در پی برقراری عدالت اجتماعی اسلامی در جامعه بوده و دولت‌ها نیز از دیرباز برقراری آن را نوید می‌دادند. عدالت اجتماعی در اندیشه مدرن، همه افراد انسانی را برابر فرض می‌کند و در پی برابر کردن فرصت‌ها و درآمدها و ثروت‌ها می‌باشد. با توجه به تعریف ساده و جامعی که برای برقراری عدالت و عدالت اجتماعی اسلامی بیان گردید می‌توان گفت اگر آمایش سرزمین به شکل مطلوب و متناسب با اقتصاد هر کشوری طراحی و اجرایی شود، بهترین زمینه‌ساز تحقق عدالت اجتماعی اسلامی خواهد بود، زیرا با توجه به مطالب بیان شده، امکان دسترسی یکسان همه افراد جامعه را برای برخورداری از منابع فراهم می‌کند.

در همین راستا برقراری عدالت اجتماعی اسلامی نیز زمینه‌ساز توسعه اجتماعی خواهد بود و هنگامی که کشور از طریق عدالت به حد مطلوبی از توسعه برسد آن‌گاه اتحاد ملی در بین تمام اقوام کشور حکم‌فرما خواهد شد. این یک رابطه ساده بوده و به آسانی قابل درک است. وقتی کشوری از این مسیر به توسعه یافتگی دست یافت و اتحاد و انسجام بین افراد مختلف مردم آن جامعه برقرار گردید آن‌گاه برقراری این اتحاد، خود زمینه‌ساز توسعه اقتصادی خواهد شد.

کشورهای بسیاری از طریق اتحاد ملی به توسعه اقتصادی رسیده‌اند و یا گام‌های قابل توجهی در عرصه جهانی برداشته‌اند که از آن جمله می‌توان به کشورهای شرق و جنوب شرقی آسیا اشاره نمود؛ کشورهایی مانند: اندونزی، مالزی، چین، ژاپن و... که با یک‌پارچگی خود توانسته‌اند قله‌های ترقی را یکی پس از دیگری طی نمایند. همان طور که اشاره شد، در ابتدا باید یک جرقه زده شود تا این اتحاد فراهم آید و یکی از راه‌های ایجاد آن، تحقق آمایش سرزمین می‌باشد.

سپس این حرکت به مانند حرکت یک بهمن خواهد بود که در سرایشی تند کوه قرار گرفته است که ما آن را در علم اقتصاد «چرخه تار عنکبوتی» می‌نامیم؛ به این صورت که ابتدا عدالت اجتماعی اسلامی زمینه‌ساز برقراری اتحاد ملی می‌گردد و در مرحله بعد همین اتحاد ملی به وجود آمده، زمینه‌ساز برقراری عدالت می‌باشد و دوباره همین سیکل ادامه دارد (به صورت دوایر متحدالمرکزی که در حال باز شدن هستند).

در قسمت بعدی به چگونگی تأثیرگذاری برقراری عدالت اجتماعی اسلامی بر تحکیم نهادهای اجتماعی می‌پردازیم که بهترین حالت آن، به اتحاد تمام نهادها و در نهایت اتحاد ملی منجر خواهد شد.

زمینه‌های تحقق عدالت اجتماعی اسلامی

عدالت اجتماعی اسلامی در روابط میان حکومت و مردم، رسوم و قراردادهای اجتماعی، قانون‌ها و برنامه‌ها و همچنین در برخورد افراد با یکدیگر تبلور می‌یابد. عدالت آن است که در شرایط همسان، رفتار، یکسان بوده و در شرایط متفاوت، به تناسب توانایی‌ها، استحقاق و نیازهای افراد می‌باشد. روشن است که ما با دو گونه رفتار روبه‌رو هستیم: یکی رفتار حکومت و برنامه‌ریزان آن با شهروندان و دیگری رفتار شهروندان با یکدیگر. هر یک از اینها نقشی اساسی در تحقق یا عدم تحقق عدالت اجتماعی ایفا می‌کند و تا هنگامی که ذهنیت، اعتقاد و عمل آنها هماهنگ با هدف یاد شده نباشد، به عینیت درآمدن آرمان عدالت ناممکن خواهد بود. (پاپلی یزدی، ۱۳۷۳، صص ۵۱-۵۷).

از میان رفتن رفتارهای ناعادلانه، چه از سوی حکومت و چه از طرف مردم، به تغییر نگرش حاکمان، برنامه‌ریزان، مدیران اقتصادی و تک تک افراد جامعه بستگی دارد. این شرایط، زمانی محقق می‌شود که افراد جامعه به دور از تعصبات و تبعیض‌ها و براساس معتقدات دینی یا دست کم براساس ملاحظات انسانی و عقلایی، روابط اقتصادی جامعه را براساس عدالت شکل دهند. آنچه دستگاه رهبری و هدایت جامعه برای انجام این امر به آن نیاز دارد، زدودن فساد از دستگاه اداری و داشتن توان مدیریت و برنامه‌ریزی در فعالیتهای اقتصادی است.

در صورت وجود این شرایط، حکومت باید امکانات تولید و فعالیت اقتصادی را در اختیار عموم قرار دهد و با برقرار کردن سیاست‌های پولی و مالیاتی صحیح، به هدایت و راه‌بری این فعالیت‌ها بپردازد. همچنین با ایجاد برخی سیستم‌ها، به کنترل و تصحیح روش‌ها و شناسایی، تغییر و جای‌گزینی افراد همت‌گمارد.

امکانات تولید و فعالیت اقتصادی در سرمایه، پول و اعتبار، کالاهای سرمایه‌ای و زمین منحصر نمی‌شود، بلکه آموزش عمومی علوم و فنون و ایجاد امکان بهره‌گیری عمومی از تکنولوژی، امنیت قضایی و تجاری، ایجاد بازارهای مناسب برای فروش تولیدات، ایجاد و کنترل روندهای مطمئن

برای تولید و توزیع و در پایان، تنظیم قواعد و قوانین مناسب برای زدودن تبعیض و بی‌عدالتی در تولید و تجارت و توزیع را در برمی‌گیرد.

اما اگر آن‌چه گفته شود، تحقق پذیرد، هنوز از عدالت اجتماعی فاصله‌ای بسیار داریم، زیرا توجهی به تفاوت توانایی افراد برای شرکت در فعالیت‌های اقتصادی نداشته‌ایم. بخش وسیعی از جامعه به سبب ضعف استعدادهای طبیعی، شرایط تحمیل شده اجتماعی، عارضه‌ها و حوادث و یا قرار نداشتن در سن فعالیت اقتصادی، از فعالیت اقتصادی سالم ناتوان‌اند و برنامه‌ریزی برای تحقق عدالت اجتماعی بدون توجه به این اقل‌ساز راه به جایی نمی‌برد. بررسی وضعیت اقشاری که توانایی کافی برای شرکت در فعالیت اقتصادی ندارند، می‌تواند به روشن‌تر شدن مباحث بعدی کمک کند.

۱. انسان‌ها صفات و ویژگی‌های روحی، فکری و بدنی متفاوتی دارند. هم‌چنین، در ذوق و سلیقه، حافظه، هوش و سرعت انتقال، توان ابداع و ابتکار، قدرت اراده و تصمیم‌گیری، نیروی عضلات و مقاومت بدن و سلامت و معلولیت متفاوت‌اند. طبق بررسی‌های برخی روانشناسان، ۶۸٪ جمعیت، دارای استعداد متوسط، ۱۶٪ دارای استعداد زیر متوسط و ۱۶٪ دارای استعدادی بالاتر از متوسط می‌باشند. روشن است که این تفاوت‌های طبیعی، حتی در شرایط مساوی تولید و فعالیت اقتصادی، تفاوت درآمد را در پی خواهد داشت و حتی در شرایط کاملاً برابر می‌تواند به فقر یکی و غنای دیگری منجر شود.

۲. تفاوت دیگر، در شرایط اجتماعی تحمیل شده بر برخی از افراد است، که به تفاوت درآمد و تفاوت سطح زندگی می‌انجامد. نمونه‌های روشن این گروه، افراد با خانواده پرجمعیت و بردگان هستند که غالباً حتی در شرایط مساوی فعالیت، نمی‌توانند سطح زندگی خود را به سطح مناسبی برسانند.

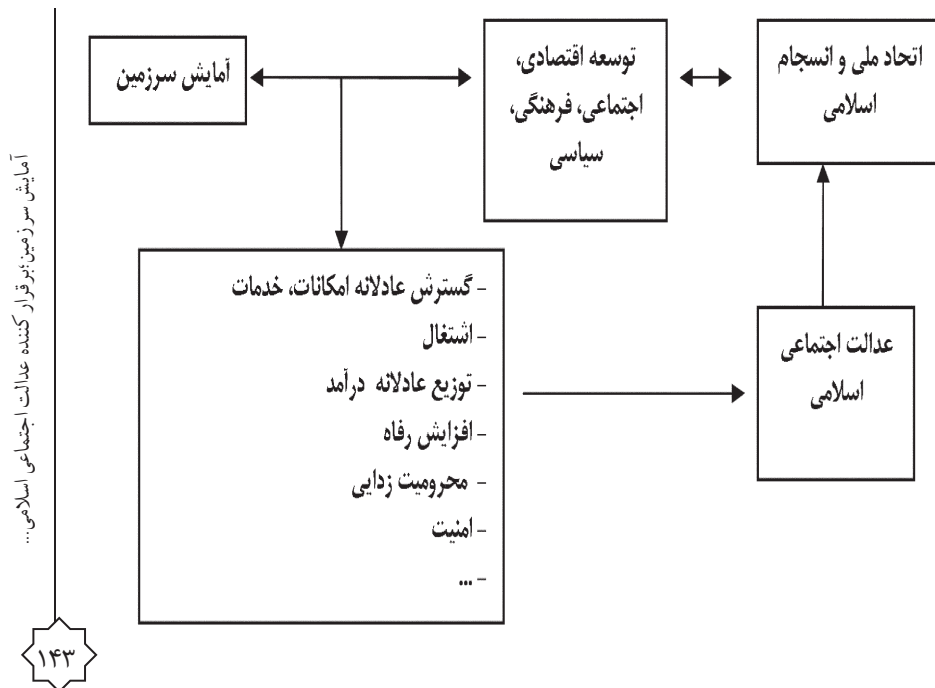
۳. حوادث اجتماعی و بلایای طبیعی نیز می‌تواند در شکل‌های مختلف به ناتوانی گروه‌هایی از مردم در فراهم کردن معیشت خود بینجامد. قحطی، بیماری، آوارگی و در راه ماندن، زلزله، افلاس و ورشکستگی، جنگ و اسارت، از مصادیق آشنای این حوادث و مصایب است.

۴. دست آخر باید از ایتمام، بازنشستگان فقیر و سالخوردگان مسکین نام برد که به‌خاطر نداشتن توان‌مندی فعالیت اقتصادی، توان کافی برای شرکت در فعالیت اقتصادی را ندارند.

حال اگر بخواهیم عدالت اجتماعی اسلامی در جامعه تحقق یابد، باید روابط چهارگانه‌ای که از آن سخن گفته شد، با توجه به تفاوت‌های ذاتی، شکل مناسبی به خود گیرد. برای تنظیم و تعدیل هر یک از این روابط، باید ابزارهای مناسبی آماده کرد؛ ابزارهایی که با کمک آنها بتوان به زنده کردن جامعه، آبادی شهرها، احیای زمین، حمایت مردم از حکومت و پیروزی بر همه دشمنان اسلام رسید و فقر را در جامعه اسلامی ریشه کن کرد. یکی از این ابزارها، همان‌گونه که بیان شد، ابزار آمایش سرزمین است.

ارائه یک مدل بر مبنای عدالت اجتماعی اسلامی

با توجه به مبانی نظری و کاربردی ذکر شده، مدل شماتیکی به شرح زیر به دست می‌آید که بیانگر ارتباط دوسویه میان آمایش سرزمین و توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی است و در صورت حصول تمام جوانب، رسیدن به اتحاد ملی و انسجام اسلامی امکان‌پذیر می‌گردد. الگوی مطرح شده، بیانگر این مهم است که با استفاده از مدل برنامه‌ریزی آمایش سرزمینی و نتایج به دست آمده از آن می‌توان به عدالت اجتماعی اسلامی دست یافت و موجبات تحقق اتحاد ملی و انسجام اسلامی را فراهم نمود.



نتیجه گیری

کشورهای در حال توسعه‌ای مانند کشور ما همواره در تکاپو هستند که پله‌های ترقی توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه را با سرعت هر چه تمام‌تر طی کنند. بی‌شک این مهم محقق نخواهد شد مگر آن‌که کشوری در یک مجموعه واحد به مانند یک سیستم منسجم که هر جزء آن وظیفه خاص خود را داشته و همه مکمل یک‌دیگر هستند، فعالیت نمایند. ما این دیدگاه سیستماتیک را «اتحاد ملی و انسجام اسلامی» نامیدیم. حال سؤال این است که برای دستیابی به اتحاد ملی و انسجام اسلامی چه باید کرد و چه راه‌کارهایی وجود دارد. طبق مطالب بیان شده، یکی از وجوه تحقق آن برقراری عدالت اجتماعی اسلامی می‌باشد. وقتی فرد بداند در بهره‌برداری از منابع کشورش با سایر هم‌میهنان خود در موقعیت یکسانی قرار دارد، به طور قطع همین اعتماد و هم‌سویی می‌تواند از درون و به صورت خودجوش زمینه‌ساز اتحاد ملی گردد.

تحقق عدالت اجتماعی امری بس دشوار است و ابزارهای اجرایی شدن این آرمان پیچیده می‌باشد، اما در چند دهه اخیر ابزاری با کارایی و قابلیت‌های علمی بالاتر که اجرایی کردن آن نیز نسبت به سایر موارد راحت‌تر می‌باشد، به نام «آمایش سرزمین» مطرح شده است. آمایش سرزمین نوعی برنامه‌ریزی است که به سرزمین به عنوان رکن اساسی و تعیین کننده در تأمین اهداف توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی توجه می‌کند.

با توجه به مطالب بیان شده و این که امسال که با درایت مقام معظم رهبری سال اتحاد ملی و انسجام اسلامی نامیده شده، از این طریق می‌توان به حد مطلوبی از عدالت اجتماعی، توسعه یافتگی و در نهایت، اتحاد ملی رسید و هنگامی که اتحاد ملی شکل گرفت به صورت خودکار زمینه‌ساز توسعه و... خواهد شد که این حرکت یک دور تسلسل تکاثر خواهد بود.

ارائه راه‌کارهای پیشنهادی

پیشنهاد نگارندگان مقاله این است که در راستای به‌کارگیری علم جغرافیای کاربردی در جهت شناسایی امکانات و ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی در سطح جهانی، ملی و منطقه‌ای به صورتی به سامان‌دهی فضا بپردازیم که اولویت اول آن همانا محرومیت زدایی و رفع استثمار، استعمار و استضعاف انسان و محیط باشد که نتیجه این امر، صلح و امنیت و آرامش و آسایش در تمام کشورهای اسلامی است.

هم چنین پیشنهاد می‌شود اکنون که در آغاز طراحی برنامه پنجم توسعه ایران قرار داریم، همان‌گونه که پیش بینی شده، روح حاکم بر این برنامه مبتنی بر آمایش سرزمین باشد و نیز با توجه به فرمایش مقام معظم رهبری مبنی بر طراحی مدل برنامه توسعه اسلامی - ایرانی، از برنامه ریزی مبتنی بر آمایش سرزمین با توجه به نتیجه آن که همانا عدالت اجتماعی اسلامی می‌باشد، برای طراحی مدل مطرح شده توسط مقام معظم رهبری استفاده گردد و با اشاعه ویژگی مطلوب این نوع از برنامه‌ریزی، در دیگر کشورهای اسلامی زمینه تحقق جامعه اسلامی که بر مبنای آموزه‌های اسلامی تحقق یافته فراهم آید و در دید کلان، به وسیله اتحادیه کشورهای اسلامی به آرمان‌ها و اعتقادات یکسان دین اسلام با توجه به تمام فرقه‌های اسلامی دست یافت که این مهم، عامل به وجود آورنده انسجام اسلامی در بین کشورهای عضو می‌گردد.

با توجه به مطالب بیان شده، می‌توان گفت کشورهای اسلامی به طور اعم و کشورهای اسلامی حوزه خاورمیانه به طور اخص، باید در برنامه‌ریزی‌های توسعه‌ای خود از این شیوه استفاده نموده و آن را اجرایی نمایند، زیرا با توسل به این نوع برنامه‌ریزی می‌توان به برقراری عدالت اجتماعی مد نظر اسلام در هر کشور اسلامی دست یافت و نیز در سطح کلان‌تر، می‌توان نقاط ضعف و قوت کشورهای اسلامی را بررسی نمود و به برنامه‌ریزی جامعی دست یافت.

در این راستا پیشنهاد نگارندگان این است که با توجه به قابلیت‌های ابزار آمایش سرزمین می‌توان به نوعی دیگر از عدالت دست یافت؛ به این ترتیب که نهادی مانند اتحادیه اروپا (به عنوان مثال، اتحادیه کشورهای اسلامی) تشکیل شود و در مرحله بعد با توجه به نتایج آمایش سرزمین که یکی از آنها شناسایی مزیت‌های هر منطقه می‌باشد، هر کشور اسلامی با لحاظ نمودن «مزیت‌های نسبی» خود به تولید کالاها و خدمات مزیت‌دار و صدور آن به کشورهای اسلامی بپردازند که این امر، خود زمینه‌ساز عدالت اجتماعی اسلامی و در نهایت، اشاعه دهنده انسجام اسلامی در بین ملت‌های اسلامی می‌باشد.

منابع و مآخذ

- ۱- پاپلی یزدی، محمد حسین، «عدالت اجتماعی و توسعه: کاربرد فلسفه و ایدئولوژی در آمایش سرزمین»، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، سال نوزدهم، شماره ۳، پاییز ۱۳۸۳.
- ۲- جهانی، علی و مسگری، سوسن، GIS به زبان ساده، انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، تهران، ۱۳۸۳.

- ۳- رحیمی، سرور، جغرافیای کاربردی و آمایش سرزمین، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۸۴.
- ۴- زالی، نادر، «جایگاه آمایش سرزمین در نظام برنامه‌ریزی کشور»، تعامل، شماره ۴، ۱۳۸۵.
- ۵- ضوابط ملی آمایش سرزمین، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، مصوبه هیئت وزیران، به شماره ۴۱۲۷۹/ت/۳۱۶۱۱ هـ بتاريخ ۱۳۸۳/۹/۴.
- ۶- مبانی نظری عدالت اجتماعی، مدیریت بهره‌وری بنیاد مستضعفان و جانبازان انقلاب اسلامی، پاییز ۱۳۷۵.
- ۷- مجموعه مقالات کاربردهای سیستم اطلاعات جغرافیایی، انتشارات شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری با همکاری انتشارات جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۷۴.
- ۸- مختاری، داود، «مقدمه‌ای بر آمایش سرزمین»، تعامل، شماره ۴، ۱۳۸۵.
- ۹- مصاحبه با جناب آقای قاسم مدنی مدیر اطلاعات اداره آمایش سرزمین معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری.
- ۱۰- مؤمنی، مصطفی، «اشاره‌ای به خصلت میان دانشی آمایش سرزمین و جایگاه آن در جغرافیا»، آموزش جغرافیا، شماره ۴، ۱۳۸۲.
- ۱۱- نظری، فرض الله، لزوم آمایش سرزمین و به‌کارگیری GIS در ایران، انتشارات سازمان برنامه و بودجه استان اردبیل.

